

### معرفی اجمالی

تفسیر قرآن کریم به مثابه یکی از پر جاذبه ترین علوم اسلامی، همواره مورد اهتمام جهان اسلام بوده و هست و مسلمانان برای کشف حقایق و گنجینه های نهفته در آن، به تألیف، پژوهش و تدریس جنبه های مختلف آن مبادرت ورزیده اند. نادیده گرفتن برخی معیارها و ضوابط در این زمینه، تفاسیر را دچار انحراف و کجروی کرده و در وحدت و همسویی مسلمانان، اختلال ایجاد نموده است. از این رو نیاز به ضوابط و قواعد برای تألیف و پژوهش در این زمینه و وضع معیارها و اصول برای تشخیص درست از نادرست و خوب از بد، ضرورتی انکارناپذیر است. به همین منظور، پایه گذاری علمی که این ضوابط، معیارها و اصول براساس آن تبیین و تشریح شود، نیازی ضروری است.

کتاب حاضر شاید یکی از آثار برجسته در این حوزه است که نویسنده کوشیده است با تکیه بر روش تطبیقی میان شیوه ها و ابداعات دو مذهب اهل سنت و شیعه، به گردآوری و تدوین قواعد و معیارهای تفسیری مشترک میان این دو مذهب بپردازد. وی معتقد است که وجوه اشتراک بسیاری میان روشهای تفسیر دو گروه وجود دارد که تاکنون مورد غفلت بوده است.

کتاب از مقدمه ناشر، مقدمه نویسنده، درآمد و دو باب تشکیل شده است. نویسنده در بخش درآمد، جایگاه تفسیر، تعاریف تفسیر و تاریخچه ای از قواعد تفسیر و کتابهای تألیف شده در این زمینه را تشریح و تبیین کرده است.

شایان ذکر است که این کتاب با همکاری شخصیت‌هایی از جمله: ماجد حمد الطاعی، عصام البدری و مهدی خوشرفقار اکرم به چاپ رسیده است.

### معرفی تفصیلی

#### ۱. مقدمه ناشر

این بخش ضمن بحث از قرآن و ویژگیها و جاودانگی آن و اثر آن در زندگی انسان و تاثیر قرآن در پیشرفت انسانها در پایان به بیان اطلاعاتی در مورد کتاب مذکور می‌پردازد که به طور اجمال از این قرارند:

۱. در آن برای امت اسلام به طور عموم و برای علمای عامل به طور خصوص خیر و نیکی نهفته است.

ظرافتی از خطی

# قواعد التفسیر لدي الشیعة والسنة

تالیف محمد فکرمبیدی

موسسه علمی و فرهنگی امام رضا (ع) مشهد  
info@sharh.com | www.sharh.com

نخستین دوره جایزه کتاب فصل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد که در طی آن از پدیدآورندگان برگزیده کتاب فصل در بهار ۱۳۸۶ تقدیر به عمل آمد. به گزارش پایگاه خبری تقریب، از جمله کتابهایی که توسط «علی شعاعی صائین» مدیر عامل خانه کتاب در این مراسم مورد تجلیل قرار گرفت، کتاب قواعد التفسیر لدي الشیعة والسنة تالیف محمد فاکر مبییدی بود که چاپ اول آن در سال ۱۴۲۸ ق - ۲۰۰۷ م و در ۲۰۰۰ نسخه از طرف مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منتشر شده است.

۲. باب بندی این کتاب به اسلوبی جدید به رشته تحریر در آمده است؛ به گونه ای که می توان گفت تا کنون کتابی با این اسلوب به نگارش در نیامده است.

۳. به بررسی قواعد تفسیر شیعه و سنی می پردازد.  
۴. مبانی تفسیری فریقین و اساس مسائلی که اختلاف در تفسیر به آن برمی گردد، در این کتاب شناخته می شوند.

۵. رعایت امانتداری در ارائه نظرات فریقین.  
۶. بدون هیچ گونه تعصب و نزاعی به بحث درباره این مباحث می پردازد و تنها در مواردی که نیاز به مناقشه است به مناقشه می پردازد.

۷. بیان دیدگاههای مشترک تفاسیر شیعه و اهل سنت.

۸. بحث از قواعد تفسیر نزد شیعه و اهل سنت که از مهم ترین مواضع تقریب می باشد؛ چرا که موضوعش کتاب خداست و متفق بین تمام مسلمین است.

## ۲. مقدمه مؤلف

بعد از حمد و ستایش خداوند و بیان معجزه بودن قرآن و ویژگیهای آن به بیان اینکه این قرآن برای همه عالمیان معجزه است؛ می پردازد و می گوید: لغت قرآن واحد است، ولی در برگزیده معانی بسیار زیادی است که باید تفسیر و شرح گردند.

در ادامه ذکر می کند که مراد خداوند متعال و تفسیر کلامش بی نیاز از اصول و قواعد نیست و اگر این اصول و قواعد رعایت نگردد، تفسیر قرآن تفسیر به رأی مذموم که باعث انحراف از مبادی است و طبق آنچه در قرآن آمده که خدا و رسولش از او راضی نیستند، منتهی می شود. پس چاره ای نیست که علمی تأسیس شود تا متکفل تبیین قواعد تفسیر و ضوابط آن شود. بنابراین، علما در طی قرون، کتب ارزشمندی را در بیان آن قواعد مدون کرده اند که با بررسی آنان به این نتیجه خواهیم رسید که مواضع اتفاق بیشتر از مواضع اختلاف است. از این رو ضروری است که کتابی تألیف شود تا قواعد تفسیر مشترک بین فریقین را دربرگیرد.

در انتهای مقدمه آمده است که بر حسب حاجت در هر یک از قواعد از این موارد بحث می شود: ۱. شکل قاعده ۲. آراء موجود در آن قاعده ۳. دلیل قاعده ۴. مفاد قاعده ۵. ضرورت التزام به آن قاعده ۶. تطبیق قاعده.

## ۳. مدخل

از سه بخش کلی تقسیم شده است :  
**بخش اول** با عنوان جایگاه قواعد تفسیر و

ضرورت تدوین آن، علاوه بر ذکر روایاتی از شیعه و اهل سنت در فضیلت تفسیر قرآن و در مذمت تفسیر به رأی می پردازد و بعد موضوع، غرض و غایت، شکل و نیاز به این علم را بیان می کند.

**بخش دوم** با عنوان تعریفها، شامل تعریف تفسیر در لغت و اصطلاح، تعریف تأویل و رابطه اش با تفسیر، تعریف قاعده در لغت و اصطلاح، تعریف اصل و رابطه اش با قاعده، تعریف مبادی و مبانی و ضوابط و تعریف مقارنه می باشد که در هر مورد به آراء شیعه و اهل سنت درباره آنها، تفاوت آنها با یکدیگر و بیان نسبتهای آنان می پردازد و به بیان دیدگاههای متعدد و اقسام می پردازد و یا در بعضی موارد چند تقسیم ارائه می دهد. نکته مهم اینکه پس از تعریف مقارنه، دو کتاب را در رابطه با فقه مقارن معرفی می کند.

**بخش سوم** با عنوان: تاریخ قواعد تفسیر و کتب تدوین شده است. در ابتدا به ذکر نخستین کتابهای تدوین شده در زمینه قواعد تفسیر می پردازد که او کتاب ابن تیمیه را نخستین کتاب در این رابطه ذکر می کند. بعد کتب اهل سنت و شیعه در زمینه قواعد تفسیر را ذکر می کند و در نهایت به شرح کتابهای تفسیری و علوم قرآنی شیعه و اهل سنت که شامل قواعد نیز می شوند می پردازد.

## ۴. تمهید

بیان بابها و فصول و بخشهای کتاب می باشد که علاوه بر آن مراد از عناوین بابها و فصول مشخص شده، به این قرار است:

۱. مراد از قواعد عامه، آنچه بین تفسیر و غیر آن از علوم مشترک است، می باشد.

۲. مراد از قواعد مشترک بین علوم، قواعد ادبی می باشد.

۳. مراد از قواعد مشترک بین تفسیر و فقه، قواعد اصولی می باشد.

۴. مراد از قواعد خاصه تفسیر به طور مطلق قواعد اعم از تفسیر موضوعی و موضوعی می باشد.

۵. مراد از قواعد خاصه، تفسیر موضوعی، تنها قواعدی است که در تفسیر موضوعی به کار می رود.

در ضمن اشاره می کند که قواعد مخصوص تفسیر به قواعد مربوط به نص، قواعد مرتبط با مصادر تفسیری و قواعد مرتبط با مفسر تقسیم می شود، اما در این کتاب تنها قواعد مربوط به نص بیان می شود.

## باب اول: قواعد العامه

### الف. فصل اول:

#### القواعد المشتركة بين العلوم:

در این فصل ابتدا به بیان عربی بودن قرآن و فرق

کتاب حاضر  
شاید یکی از آثار  
برجسته در این  
حوزه است که  
نویسنده کوشیده  
است با تکیه بر  
روش تطبیقی میان  
شیوهها و ابداعات  
دو مذهب اهل سنت  
و شیعه، به گردآوری  
و تدوین قواعد و  
معیارهای تفسیری  
مشترک میان این  
دو مذهب پردازد.  
وی معتقد است  
که وجوه اشتراک  
بسیاری میان  
روشهای تفسیر دو  
گروه وجود دارد که  
تاکنون مورد غفلت  
بوده است



تفسیر قرآن  
 کریم به مثابه یکی  
 از پرجاذبه‌ترین  
 علوم اسلامی،  
 همواره مورد اهتمام  
 جهان اسلام بوده و  
 هست و مسلمانان  
 برای کشف حقایق  
 و گنجینه‌های  
 نهفته در آن، به  
 تألیف، پژوهش  
 و تدریس جنبه  
 های مختلف آن  
 مبادرت ورزیده‌اند.  
 نادیده گرفتن برخی  
 معیارها و ضوابط در  
 این زمینه، تفاسیر  
 را دچار انحراف و  
 کجروی کرده و در  
 وحدت و همسویی  
 مسلمانان، اختلال  
 ایجاد نموده است

قرآن و لغت عرب پرداخته شده است و بعد قواعد مشترک بین علوم یعنی قواعد ادبی ارائه می شود. به این شکل که ۱۲ قاعده از قواعد مشترک بین علوم را همان طور که مقدمه به آن اشاره شده بود، در شش موضع به بحث و بررسی می گذارد با این تفاوت که ممکن است در برخی از قواعد موضوعی دیگر را که جزء شش موضع ذکر شده در مقدمه نیست، ذکر و بررسی نماید که البته بر پایه همان مواضع است که گاه یکی از آنها به نسبت قاعده مورد بحث، به چند موضع تقسیم می شوند. با وجود هماهنگی موجود در ارائه قواعد گاه نسبت به برخی از آنها نکاتی اضافی بیان شده که در راستای شرح، تکمیل و یا تفهیم آن قاعده است که به مواردی از آنها اشاره می کنیم:

۱. گاه مراد یک کلمه را در آراء علما بیان می کند؛ یعنی می گوید که منظور از آن کلمه در تعاریف علما چیست؟ به عنوان مثال مراد از «معانی» را در آراء علما بیان می کند. (۱)
۲. گاه به بیان نکته ای که در شرح مطلب کمک می کند، می پردازد مثلاً در نکته ای که در ذیل تشخیص معنی آمده است، اشاره می کند که باید به معنای رایج هنگام نزول توجه داشت و معانی جدید ملاک نیست. (۲)
۳. به بیان تفاوت‌های عناوین آن قاعده می پردازد، به عنوان مثال در قاعده مربوط به نحو و اعراب، تفاوت آن دو را بیان می کند. (۳)
۴. اگر قاعده دارای شرایط و شروطی باشد، شروط آن را بیان می کند مانند: شروط اعراب قرآن. (۴)
۵. بعضی قواعد را توضیح و یا در بعضی موارد رفع شبهات می پردازد. مثلاً در ذیل عنوان تذییل در قاعده نحو و اعراب ذکر می کند که اجتهاد در شناخت و اعراب درست نیست و باید آن را در سخن پیامبر (ص) جستجو کرد. (۵)
۶. در بعضی موارد، بعد از ذکر آراء علما، تحت عنوان «الرأی المختار» رأی منتخب خود را اعلام می کند. (۶)
۷. گاه رأی مشهور و غیر مشهور را بیان می کند مانند ذکر رأی مشهور در ذیل شروط اعراب قرآن. (۷)
۸. اگر قاعده ای وجود دارد که موافق و مخالف دارد، دیدگاه‌های موافقان و مخالفان را به طور کامل همراه با ادله آنان بیان می کند و بعد از بررسی آنان، نظر درست را (طبق نظر خود) بدون تعصب برمی‌گزیند. مانند: بحث حقیقت و مجاز که موافق و مخالف دارد.
۹. اگر توسعه معانی نسبت به لغتی در قرآن صورت گرفته آن را بیان می کند و معتقد است که لغات، در معنای اصطلاحی آن به کار رفته است و البته این مطلب را بعد از ذکر مثالهایی از وقوع توسعه معانی

### ب. فصل دوم:

#### القواعد المشتركة بين التفسير والفقه

- در این فصل به طرح ۱۰ قاعده از قواعد مشترک بین تفسیر و فقه، که مراد از آن قواعد اصولی است، می پردازد و همانند فصل قبل، به بررسی آن در شش موضع می پردازد و روش بحث نیز به همان شکل است. جز اینکه در این فصل نکات جدیدتری دیده می شود که در فصل قبل نبود و از این قرارند:
۱. گاه بعد از ذکر موضعی از یک قاعده در ذیل عنوان تتمه مطالبی در تکمیل مطالب آن قاعده بیان می کند مثلاً در تتمه احکام اطلاق و تقیید به مباحثی پیرامون تعارض در روایات و راه درمان آن تعارض می پردازد و ذکر می کند که چگونه باید به قرآن عرضه شود. (۲۳)



۲. گاه اتفاق نظر علمای فریقین در رابطه با قاعده‌ای را بیان می‌کند به عنوان مثال در ذیل عنوان ملحوظه در بخش ثبوت مفهوم و احکام آن به این مطلب می‌پردازد. (۲۴)

۳. به بررسی مطالب فرعی می‌پردازد؛ مثلاً در ذیل مفهوم وصف از مفاهیم دیگری یاد می‌کند و آنها را معرفی می‌نماید. مانند: مفهوم عله، مفهوم حال و... (۲۵)

۴. گاه به بیان مثال در پاورقی می‌پردازد. (۲۶)

۵. گاه قاعده ای فرعی را در ذیل قاعده ای کلی بیان می‌کند مانند: قاعده فرعی در احکام اجمال. (۲۷)

## باب دوم: القواعد الخاصة بالتفسير الف. فصل اول:

### القواعد الخاصة بالتفسير مطلقاً:

همان طور که قبلاً اشاره شد، در این فصل قواعد تفسیر به طور مطلق اعم از تفسیر موضوعی یا تفسیر موضوعی بررسی می‌گردد که بر طبق آن ۱۰ قاعده مطرح شده است و شیوه بررسی آنها مانند فصول گذشته است و تنها نکته قابل توجه اینکه در این فصل عنوانی با نام «ترجیح الآراء» موجود می‌باشد؛ در صورتی که در فصلهای قبلی چنین عنوانی نداشتیم و قواعد در ضمن بحث مورد مناقشه و ترجیح قرار می‌گرفتند. لازم به ذکر است که این عنوان در ذیل بخش تطبیق قاعده السیاق آمده است. (۲۸)

### ب. فصل دوم:

### القواعد الخاصة بالتفسير الموضوعی

این فصل از چهار بحث تشکیل شده که **بحث اول** در رابطه با مقدمات تفسیر موضوعی است و در آن تعریف تفسیر موضوعی نزد شیعه و اهل سنت و ریشه تفسیر موضوعی و تفاسیر موضوعی قدیم و جدید و تمایزی که در مواجهه با آن وجود داشته و اهمیت تفسیر موضوعی و بعد اقسام تفسیر موضوعی ذکر می‌گردد و نکته قابل توجه اینکه نظرات را مورد مناقشه قرار می‌دهد. **بحث دوم** در رابطه با قواعد تفسیر موضوعی است که ۱۲ قاعده را بیان داشته و در مواردی به ذکر نظرات و آراء می‌پردازد. **بحث سوم** در رابطه با راههای تفسیر موضوعی یا به عبارت دیگر گامهای تفسیر موضوعی است که به ذکر ده مورد می‌پردازد. **بحث چهارم** مربوط به موضوعهای قرآنی است که بعد از آن امور دیگری که در تفسیر ضرورت دارند و در ضمن مباحث بیان نشده است، به طور فهرست وار ذکر می‌گردد.

### پی‌نوشتها:

۱. قواعد التفسیر لدی الشیعه و السنه، ص ۶۲.
۲. همان، ص ۶۷.
۳. همان، ص ۷۲.
۴. همان، ص ۷۳.
۵. همان، ص ۷۵.
۶. همان، ص ۷۷.
۷. همان، ص ۷۶.
۸. همان، صص ۸۳-۹۰.
۹. همان، صص ۹۴ و ۹۵.
۱۰. همان، ص ۱۰۲.
۱۱. همان، ص ۱۰۵.
۱۲. همان، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.
۱۳. همان، ص ۹۱.
۱۴. همان، ص ۱۴۷.
۱۵. همان، ص ۱۴۹.
۱۶. همان، ص ۱۶۶.
۱۷. همان، ص ۱۵۰.
۱۸. همان، ص ۱۳۲.
۱۹. همان، ص ۱۳۲.
۲۰. همان، ص ۱۳۳.
۲۱. همان، ص ۱۶۰.
۲۲. همان، ص ۱۲۶.
۲۳. همان، ص ۲۰۹.
۲۴. همان، ص ۲۳۳.
۲۵. همان، ص ۲۳۴.
۲۶. همان، ص ۱۹۶.
۲۷. همان، ص ۲۱۸.
۲۸. همان، ص ۲۹۵.

